

Nostalgia and moral identity: a facilitator model

Jalil Etemaad¹, Hosein Dabbagh², Bahram Jowkar³, Samira Rostami⁴

1-PhD Candidate of Educational Psychology, Faculty of Education & Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran (Corresponding Author). ORCID: 0000-0001-9395-0029

2- Assistant Professor of Philosophy of Ethics and Neuroethics, Tehran Institute of Cognitive Science , Tehran, Iran. ORCID: 0000-0001-9986-2433

3- Professor, Faculty of Education & Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran. ORCID:0000-0002-4976-7371

4- Ph.D. Candidate of Educational Psychology, Faculty of Education & Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran. ORCID: 0000-0002-9966-8750

Received: 30/05/2019

Accepted: 16/07/2019

Abstract

Introduction: New trend in virtue ethics focuses on personal trait and motivation to highlight the important role of perceptive and motivational aspect of emotions.

Aim: The goal of present research was showed the line to facilitate moral virtues into personal identity by focusing on potentials of nostalgia. The question of the present study is that nostalgia as a non-moral emotion has which relation to the importance of moral virtues.

Method: Method of research was correlational study and PhD and graduate students of Shiraz University were the statistical society of this research. 71 students participated in this research. Participants responded to event reflection manipulation (Wildschut et al., 2006), Moral identity scale (Aquino & Reed, 2002) and Nostalgia inventory (Batcho,1995). To analyze of data using SPSS 19, Amos and calculator of composite reliability depend on Raykov s formula (1997).

Results: The result showed that nostalgia was significant positive predictor for internalizing and symbolizing.

Conclusion: The results showed that nostalgia is a positive predictor for internalizing moral values in the individual's self-concept, and also predicting the representation and social pretense as a person who carries some values. Probability, Nostalgia is associated with a kind of emotional regulation and other importance in the person's life, which facilitates the strong moral identity by integration of self and openness to other.

Keywords: Nostalgia, Identity, Moral motivation, Moral psychology

How to cite this article : Etemaad J, Dabbagh H, Jowkar B, Rostami S. Nostalgia and moral identity: a facilitator model. Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry. 2019; 6 (4): 110-123 .URL: <http://shenakht.muk.ac.ir/article-1-692-fa.pdf>

Copyright © 2018 the Author (s). Published by Kurdistan University of Medical Sciences. This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-Non Commercial License 4.0 (CCBY-NC), where it is permissible to download, share, remix, transform, and buildup the work provided it is properly cited. The work cannot be used commercially without permission from the journal.

نوستالژی و هویت اخلاقی: یک مدل تسهیل گر

جلیل اعتماد^۱، حسین دباغ^۲، بهرام جوکار^۳، سمیرا رستمی^۴

۱. دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (مولف مسئول). ایمیل: jetemaad@gmail.com

۲. استادیار فلسفه‌ی اخلاق، موسسه‌ی آموزش عالی علوم شناختی، تهران، ایران.

۳. استاد تمام، دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

۴. دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۰۴/۲۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۳/۰۹

چکیده

مقدمه: رویکرد نوین فضیلت‌گرایی اخلاقی، بر خصایص درونی شخص یعنی فضایل و انگیزه‌ها تمرکز می‌کند و نقش عواطف را از حیث ادراکی و ترغیبی پررنگ می‌سازد.

هدف: هدف از پژوهش حاضر یافتن راهی برای تسهیل فضایل اخلاقی در هویت فرد از طریق تمرکز بر قابلیت‌های هیجان نوستالژی بود. مسئله پژوهش حاضر این است که نوستالژی به عنوان یک هیجان نا اخلاقی چه ربطی در اهمیت یافتن فضایل هویت اخلاقی دارد.

روش: پژوهش از نوع همبستگی و جامعه آماری این پژوهش دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شیراز بود و ۲۰۱ دانشجو در این تحقیق مشارکت داشت. مشارکت کنندگان به آزمون پژوهشگر وایداد وایدشات و همکاران (۲۰۰۶)، پرسشنامه‌ی نوستالژی باجو (۱۹۹۵) و پرسشنامه اهمیت خویشتن اخلاقی آکوینو و رید (۲۰۰۲) پاسخ دادند. از نرم افزار SPSS ورژن ۱۹ و Amos ۱۹ و از حسابگر پایایی ترکیبی مطابق با فرمول رایکو (۱۹۹۷) استفاده گردید.

یافته‌ها: نتایج نشان داد نوستالژی‌گرایی پیش‌بینی‌کننده‌ی معنادار هر دو بعد درونی‌سازی و نمادسازی بود.

نتیجه‌گیری: مطابق با نتایج به دست آمده، نوستالژی‌گرایی پیش‌بینی‌کننده‌ی مثبت برای درونی‌شدن ارزش‌های اخلاقی در خودپنداره‌ی فرد است و هم پیش‌بینی‌کننده‌ی بازنمایی و انمود اجتماعی خود به عنوان کسی که حامل برخی از ارزش‌هاست. تجربه‌ی نوستالژی همراه است با نوعی نظم‌بخشی هیجانی و اهمیت یافتن دیگری در زندگی شخص. این تجربه احتمالاً از طریق یکپارچه‌سازی و انسجام بخشی به خود و گشودگی به دیگری، نیرومند شدن هویت اخلاقی را تسهیل می‌کند.

کلید واژه‌ها: نوستالژی، هویت، انگیزش اخلاقی، روان‌شناسی اخلاق

مقدمه

سازه‌ی هویت اخلاقی، یکی از سازه‌هایی است که بازنمای عوامل غیرمعرفتی و تأکید بر فضایل و انگیزه‌هاست. مفهوم هویت اخلاقی سازه‌ای است که اولین بار توسط بلاسی مطرح شد و خیلی از اندیشه‌ها پیرامون هویت اخلاقی به مدل «خود» بلاسی در پیوند بین قضاوت اخلاقی و عمل بازمی‌گردد. به اعتقاد بلاسی (۱۹۹۳، ۱۹۸۰) محوریت گرایش‌های اخلاقی فرد برای برداشت از خود (یعنی هویت اخلاقی) به بهترین وجه، تعهد به رفتار اخلاقی را پیش‌بینی می‌کند. درونی‌سازی^۳ و نمادسازی^۴ دو بعد هویت اخلاقی هستند. این دو بعد هویت اخلاقی، یکی خصوصی و دیگری عمومی است (آکوینو و رید، ۲۰۰۲). در حالی که درونی‌سازی به میزان اهمیت ویژگی‌های اخلاقی در خودپنداره‌ی فرد مربوط است، (مانند داشتن چنین ویژگی‌هایی بخش مهمی از وجود مرا تشکیل می‌دهد)، نمادسازی مربوط است به نوعی حساسیت فزاینده نسبت به خود اخلاقی به مثابه یک ابره‌ی اجتماعی که در جهان عمل می‌کند و خود را می‌نمایاند (آکوینو و رید، ۲۰۰۲). (مانند فعالانه در کارهایی شرکت می‌کنم که داشتن چنین ویژگی‌هایی را در من به دیگران منتقل می‌کند). درونی‌سازی نشانگر درجه‌ای است که صفات اخلاقی در مرکزیت احساس فرد از خودش قرار دارند و نمادسازی نوعی تلاش برای بیانگری اجتماعی مبنی بر وجود چنین خصایصی در من است.

مطابق جمع‌بندی هارت (۲۰۰۵) به نقل از هاردی و کارلو، (۲۰۱۱) شکل‌گیری هویت اخلاقی همراه است با ویژگی‌های فردی صریح، بافت‌های رشدی و فرصت‌های عمل اخلاقی. در زمینه‌ی ویژگی‌های فردی صریح،

فضیلت‌گرایان اخلاقی بر فاعل فضیلت‌مند تأکید دارند (هرسته‌اوس، ۱۹۹۹) و معتقدند میان معرفت و عمل اخلاقی عمدتاً گسست وجود دارد. برای مثال، زاگزیسکی (۲۰۰۴) در نظریه‌ی خود بر خصایص درونی شخص یعنی فضایل و انگیزه‌ها تمرکز می‌کند و نقش عواطف را از حیث ادراکی و انگیزشی پررنگ می‌سازد. در راستای خطوط راهنمای فضیلت‌گرایان جدید، ربط و نسبت هیجانات نا اخلاقی^۱ در اهمیت و اولویت یافتن فضایل در هویت اخلاقی یکی از مسائل برانگیزاننده در حوزه‌ی روان‌شناسی اخلاق است. الزام این بررسی از آنجاست که هویت اخلاقی رابطه‌ای نیرومند با تعهد فرد به کنشگری اخلاقی برقرار می‌سازد (هاردی و کارلو، ۲۰۱۱) و لذا تسهیل و نیرومندسازی هویت‌یافتگی اخلاقی یا درونی شدن فضایل اخلاقی در خودپنداره‌ی فرد به طور غیرمستقیم به کنشگر فضیلت‌مند و کنشگری فضیلت‌مندانه کمک می‌کند. به طور مثال، اگر افزایش اهمیت بخشایش را به عنوان بخشی از خودپنداره‌ی^۲ شخص که برایش واجد ارزش شخصی است در نظر بگیریم، آنگاه چگونه می‌توانیم به دلالت‌ها و رهیافت‌هایی برای پیش‌بینی و احیاناً تسهیل آن دست یابیم؟ این پرسش کانون مسئله‌ی پژوهش حاضر است.

^۱ - منظور از هیجانات نا اخلاقی یا اخلاقاً نامرتبط، هیجاناتی است که برانگیخته شدن آن، پس از مواجهه با یک موقعیت دارای معنای اخلاقی به نحوی که فرد یکی از بازیگران موقعیت باشد، ادراک نمی‌شود؛ به عبارت دیگر، در برانگیختگی و تجربه‌ی هیجانات نا اخلاقی، ابره یا سوژه اخلاقی موضوعیت ندارد. (مثلاً لذت، غمگینی، شادکامی، خلق بالا یا پایین، کنجکاو، حیرت، نوستالژی و غیره)؛ بنابراین در مقابل آن دسته از هیجانات (مثل، احساس گناه، احساس همدلی، گونه‌هایی از احساس شرم، غرور، گونه‌هایی از عشق و هیجاناتی از این قبیل) قرار می‌گیرند که به طور مستقیم در یک موقعیت اخلاقی برانگیخته و تفسیر می‌شوند و فرد یکی از عاملان موقعیت تلقی می‌شود.

^۲ - Self Image

^۳ - Internalization

^۴ - Symbolization

دی‌وایر و هاووزر، ۲۰۰۹) که وجوه و ابعاد مفهومی و نظری نسبت هیجانان در اخلاق را مورد تأمل قرار داده‌اند راهگشا به نظر می‌رسد. بنا به گزارش هاردی و کارلو (۲۰۱۱) نقش هیجانان اخلاقی در شکل‌گیری و پیش‌بینی هویت اخلاقی تأیید شده است و بر این اساس هیجانان اخلاقی پیش از شکل‌گیری هویت اخلاقی به نحوی ابتدایی‌تر و پس از شکل‌گیری هویت اخلاقی و نیرومند شدن آن به نحوی دیگر در فرایند معطوف به کنش اخلاقی نقش ایفا می‌کنند اما در مورد نسبت هیجانان نا اخلاقی با هویت اخلاقی به ندرت مطالعه‌ای صورت گرفته است. در مطالعه‌ی واکر و فریمر (۲۰۰۷) نقش هیجانان مثبت (خوش‌بینی و امیدواری) و از پس دشواری بر آمدن و یادگیری از دشواری‌ها به عنوان عوامل مهم در گروه دارای رفتار نوع‌دوستانه یافته شد. در اینجا این پرسش را به این صورت باز سازمان‌دهی می‌کنیم که کدام یک از هیجانان اخلاقاً نامرتبط، می‌توانند پیش‌بینی‌کننده‌ی اهمیت و موضوعیت یافتن فضایی مانند غمخواری، دلسوزی، عادل بودن، صمیمیت، بخشایش، یاری‌گری، کوشایی، صداقت و مهربانی در خودپنداره‌ی فرد باشد؟ در راستای پاسخ به این پرسش و با نگاه به پژوهش‌های جدید در زمینه‌ی هیجانان و بهزیستی (نگاه کنید به نظم‌بخشی هیجانی و بهزیستی با ویراستاری نیکلیک، وینگرهوتس و زیلنبرگ، ۲۰۱۱) از میان هیجانان پیچیده و خودآگاه، نوستالژی بنا به شواهد پژوهشی اخیر که در مورد آن وجود دارد کاندید قابل توجهی به نظر می‌رسد. بنابراین فهم این نکته که نوستالژی‌گرایی احتمالاً در تعلیم و تربیت اخلاقی چه نقشی دارد و احیاناً مربیان و روان‌شناسان اخلاق چگونه می‌توانند از پتانسیل‌های این هیجان در غنی کردن رشد و

داشتن پیشرفت تحصیلی پیش‌بین مثبت هویت اخلاقی است (هارت، اتکین و فورد، ۱۹۹۹ به نقل از هاردی و کارلو، ۲۰۱۱). در مطالعه‌ی واکر و فریمر (۲۰۰۷) عاملیت شخصی، پیوند با دیگران، دلبستگی دوران کودکی به مراقب‌ها، هیجانان مثبت (خوش‌بینی و امیدواری) و از پس دشواری بر آمدن و یادگیری از دشواری‌ها به عنوان عوامل مهم در گروهی از افراد که واکنش‌های نوع‌دوستانه داشتند دیده شده است. در زمینه‌ی بافت رشدی، گرمی والدین از جمله متغیرهای است که پیوند مثبتی با درونی‌سازی بیشتر ارزش‌های اخلاقی نشان می‌دهد (هاردی، پادیل-والکر و کارلو، ۲۰۰۸ به نقل از هاردی و کارلو، ۲۰۱۱).

به اعتقاد والکر و فریمر (۲۰۰۷) ما نیازمند فهم نقش تعاملات میان متغیرهای فردی و موقعیتی در حیطه‌ی پژوهش‌های اخلاق هستیم. هاردی و کارلو (۲۰۱۱) نیز پس از مرور نظری و تحقیقات تجربی پیرامون هویت اخلاقی، محدودیت تحقیقات قبلی را شامل دانش کم در مورد بنیادهای نورولوژیکی هویت اخلاقی، مسئله‌ی ثبات آن در خلال موقعیت‌ها و زمان و دانش کم در مورد اینکه چطور شناخت‌های اخلاقی، هیجانان (همدلی و احساس گناه) و تأثیرات فرهنگی در نسبت با هم در شکل‌گیری یا پیش‌بینی هویت اخلاقی نقش ایفا می‌کنند، می‌دانند. با این چارچوب، رجوع به هیجانان پیچیده که دلالتی برای تسهیل اهمیت یافتن فضایل در خودپنداره‌ی فرد داشته باشند یک گام پژوهشی عمده و رو به جلو در راستای رسیدن به رهیافت‌هایی برای تربیت اخلاقی می‌تواند باشد.

برای فهم نقش هیجانان در اخلاق و متعاقباً هویت اخلاقی، توجه به کارهای برخی پژوهشگران (هیوینر،

سدیکیدس، وایدشات و بادن، ۲۰۰۴) می‌شود. سدیکیدس، وایدشات، روتلدج و آرندت (۲۰۱۴) در یک سری تحقیقات آزمایشی نشان دادند که نوستالژی به مثابه پاسخی است برای عدم انسجام خود و منبعی است برای انسجام خود. یافته‌های این محققان بر نقش نوستالژی در تغییرات بین انسجام خود و عدم انسجام خود و بر نقش هم‌افزاینده‌ی نوستالژی برای عزت نفس دلالت داشت. در تحقیقی دیگر نقش نوستالژی به عنوان مکانیسمی که فعال‌کننده و تسهیل‌کننده‌ی انسجام است و بین خود، گذشته و حال پیوند برقرار می‌کند مورد تأیید قرار گرفت (سدیکیدس، وایدشات، گرتر، راتلج و آرندت، ۲۰۰۸). از منظری اجتماعی و بین‌فردی، چنگ، سدیکیدس و وایدشات (۲۰۱۶) با انجام چند تحقیق آزمایشی نشان دادند نوستالژی از طریق افزایش پیوند اجتماعی (احساس پذیرش و تعلق پذیری) پرورش‌دهنده‌ی خوش‌بینی است. وجه اجتماعی تجربه‌ی نوستالژی از جمله در ظرفیت این هیجان برای ترغیب حمایت اجتماعی و دوستانه، تغذیه‌ی احساسات حمایت‌گرانه و عاشقانه، ایجاد حسی از شایستگی بین‌فردی، ترغیب رفتار جامعه‌پسند (به طور مثال داوطلبی و بخشش بیشتر برای امور خیریه، داوطلبی خیرخواهانه و کمک) و تقویت نگرش در راستای نیرومندسازی تعامل‌های بین‌گروهی دیده می‌شود (سیهوسن و همکاران، ۲۰۱۳؛ استفان و همکاران، ۲۰۱۴؛ ترنر، وایدشات و سدیکیدس، ۲۰۱۲؛ ترنر، وایدشات، سدیکیدس و گنورگیو، ۲۰۱۳؛ وایدشات و همکاران، ۲۰۰۶؛ وایدشات، سدیکیدس، روتلدج، آرندت و کوردارو، ۲۰۱۰؛ ژو، سدیکیدس، وایدشات و گو، ۲۰۰۸؛ ژو، وایدشات، سدیکیدس، شی و فنگ، ۲۰۱۲) به نقل از سدیکیدس و همکاران، ۲۰۱۵). در پژوهشی دیگر گینو و

انگیزش‌های اخلاقی کمک بگیرند، از دستاوردهای پژوهش حاضر است.

مطابق با جدیدترین رویکرد به نوستالژی که حاصل مفهوم‌سازی و پژوهش‌های دهه‌ی نود میلادی به این سو است (پژوهش‌های افرادی همچون باجو، ۱۹۹۵، سدیکیدس و همکاران، ۲۰۰۶)، تعریف زیر از سوی پژوهش ما استخراج و ارائه می‌گردد. نوستالژی هیجانی وابسته به خود، فردی-اجتماعی که دارای ماهیت دوگانه‌ی غمگینی-شادمانی توأم است و همراه با نوعی آرزومندی نسبت به گذشته که توسط یک شبکه‌ی عاطفی فراخوانی شده ناشی از یک محرک بیرونی به طور فعال یا منفعل تجربه زمان حال را به تجربه‌ی خاطرات گذشته پیوند می‌زند (اعتماد، جوکار، دباغ، کجوری و روستا، ۱۳۹۶)

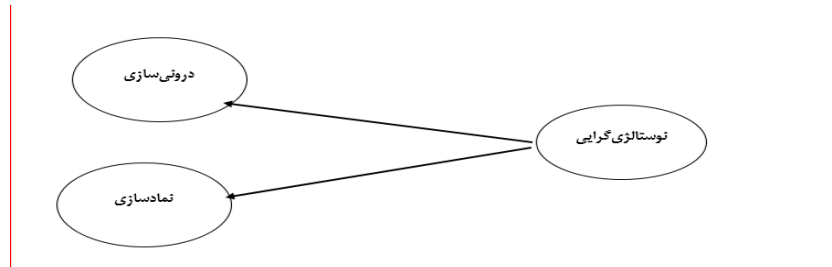
محققان معتقدند نوستالژی می‌تواند یک حس نیرومند درباره‌ی خود را برانگیزد و وحدت درونی خود را از طریق گذاشتن تکه‌هایی از زندگی گذشته‌مان کنار یکدیگر افزایش دهد (سدیکیدس، وایدشات و بادن، ۲۰۰۴). گابریل (۱۹۹۲) به نقل از سدیکیدس، وایدشات و بادن، ۲۰۰۴) نیز با استناد به شواهدی نوستالژی را در راستای تقویت هویت و ارزشمندی خود می‌داند. نوستالژی به پیوندهای اجتماعی استحکام و نیرو می‌بخشد (سدیکیدس، وایدشات و بادن، ۲۰۰۴)؛ به عبارت دیگر نوستالژی همراه است با نوعی بازسازی پیوند نمادین با دیگران مهم^۵ (۱۱) که منجر به تقویت پیوند اجتماعی، عزت نفس (سیری و باومیستر، ۲۰۰۰) به نقل از سدیکیدس، وایدشات و بادن، ۲۰۰۴) و احساس دل‌بستگی ایمن (میکولینسر و همکاران، ۲۰۰۳) به نقل از

⁵ - Significant others

مرور تحقیقات انجام گرفته نشان داد که تاکنون محققان نقش نوستالژی را در راستای تسهیل موضوعیت یافتن فضایل اخلاقی در خودپنداره‌ی فرد و پیش‌بینی هویت اخلاقی مورد پرسش و بررسی تجربی قرار نداده‌اند و این پژوهش با طرح این مسئله در راستای یافتن راهی به سمت تسهیل هویت اخلاقی در یک افق فضیلت‌گرایانه، با پیوند دادن روند پژوهش‌های مربوط به پیشایندهای هویت اخلاقی و پیامدهای نوستالژی، مسئله‌ای پیرامون این دو متغیر را در نسبت با یکدیگر مورد بررسی قرار داده و مدل مفهومی زیر را صورت‌بندی کرده است.

دسای (۲۰۱۲) نشان می‌دهند افرادی که حافظه‌ی کودکی‌شان را فراخوانی کردند، نوعی احساس خلوص اخلاقی از خود نشان دادند (هم آگاهانه و هم ناخودآگاهانه) و به طور جامعه‌پسندتری با دیگران رفتار کردند. این محققان نتیجه گرفتند که یادآوری حافظه‌ی دوران کودکی می‌تواند به تسهیل کمک به دیگران و دیگر سنخ‌های رفتار معطوف به دیگری بیانجامد. در همین راستا به صورت صریح‌تر نقش نوستالژی در کنش همدلانه و نوع‌دوستانه در یک تحقیق آزمایشی توسط اعتماد، جوکار، حسینچاری و دباغ (زیرچاپ) مورد تایید قرار گرفت.

شکل ۱ مدل مفهومی پژوهش



به تحصیل بودند و به‌صورت در دسترس انتخاب شدند. معیار ورود مشارکت‌کننده عبارت بود از دانشجوی تحصیلات تکمیلی دانشگاه شیراز بودن و رضایت و تمایل شخصی به مشارکت. ابزارهایی که ناقص تکمیل شده بود و یا ویژگی‌های معیار ورود را نداشت کنار گذاشته شد. مبنای تعیین حجم نمونه بر اساس تعداد گویه این مقیاس تعیین شد که برابر ملاک پیشنهاد شده در منابع (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۸۷) و همچنین کلاین، ۱۹۹۴ به نقل از حبیب‌پور و صفری، ۱۳۸۸) بوده است. این گروه به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. به این ترتیب که به درب اتاق‌ها در خوابگاه‌های

روش

پژوهش حاضر از نوع همبستگی بود و در قالب یک مدل روابط متغیرهای برون‌زاد (نوستالژی‌گرایی) و درون‌زاد (ابعاد هویت اخلاقی-درونی‌سازی و نمادسازی-) را مورد بررسی قرار داد.

جامعه‌ی در دسترس این پژوهش دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شیراز و جامعه‌ی نهایی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های دولتی ایران هستند. شرکت‌کنندگان پژوهش حاضر ۲۰۱ نفر از دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته‌های مختلف ساکن خوابگاه‌های دانشگاه شیراز بودند که در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ مشغول

بر روی کارگران چینی، ضریب همبستگی ۰/۴۱ را بین این دو ابزار گزارش نمودند. پژوهشگرانی همچون ویدسشات و همکاران (۲۰۰۶) عنوان کرده‌اند که با توجه به چندبعدی بودن تجربه‌ی نوستالژی و اینکه این ابزار تنها مواد نوستالژیک و عمق این تجربه را می‌تواند بسنجد و نه ویژگی‌های دیگر، پیشنهاد کرده‌اند همراه با آن آزمون واری واری ویدسشات و همکاران نیز اجرا گردد.

مقیاس هویت اخلاقی (MI): پرسشنامه هویت اخلاقی مقیاس خود گزارش دهی است که به وسیله آکوینو و رید (۲۰۰۲) ساخته و اعتباریابی شده و دارای دو زیر مقیاس درونی سازی (میزانی که هویت اخلاقی در خودپنداره فرد مرکزیت یافته) و نمادسازی (میزانی که هر آزمودنی هویت اخلاقی را در ظاهرش نشان می‌دهد) است. در ابتدا از افراد خواسته می‌شود که به صفات اخلاقی که در بالای پرسشنامه نوشته شده توجه کنند. صفاتی چون مهربان، عادل، زحمت‌کش و ... پس از آن ده سؤال درباره این صفات از آزمودنی‌ها پرسیده می‌شود تا میزانی که داشتن این صفات برای فرد مهم است، تعیین شود. پاسخ‌دهی در طیفی از یک (کاملاً مخالفم) تا پنج (کاملاً موافقم) در هر یک از ده سؤال گسترده شده است. نمره‌گذاری دو گویه ۴ و ۷ به صورت معکوس صورت می‌گیرد. در مطالعه‌ی آکوینو و رید (۲۰۰۲) ضمن بررسی رابطه درونی‌سازی و نمادسازی با سازه‌های همگن و سازه‌های متمایز، نشان دادند که نتایج روایی همگرا و واگرایی این دو سازه رضایت‌بخش است. همچنین، جوکار و حق‌نگهدار (۱۳۹۵) پایایی از طریق ضریب آلفای کرونباخ را برای بعد درونی‌سازی ۰/۶۶ و برای بعد نمادسازی را ۰/۶۲ گزارش کردند. تحقیق مورد اشاره، شواهد مثبتی برای روایی ابزار نیز ارائه داده است.

دختران و پسران مراجعه و از دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری حاضر در اتاق درخواست شد که مقیاس‌ها را تکمیل کنند. میانگین سن دانشجویان ۲۷/۳۹ و دامنه‌ی سنی بین ۲۲ تا ۳۶ بود. ۴۱/۳ درصد از مشارکت‌کنندگان زن و ۵۸/۷ درصد زن بودند. ۳۱/۳ درصد دانشجوی دکتری و ۶۷/۸ درصد دانشجوی کارشناسی ارشد و ۴ درصد نیز دانشجویان سال آخر لیسانس بودند که برای امتحان کارشناسی ارشد آماده می‌شدند. وضعیت شغلی مشارکت‌کنندگان نیز ۸۶/۱ درصد بیکار و ۱۳/۹ درصد شاغل بود.

ابزار

پرسشنامه‌ی نوستالژی باجو (۱۹۹۵): این مقیاس توسط باجو (۱۹۹۵) ساخته شده است. پاسخگویان باید میزان نوستالژیک بودن خاطراتشان در مورد ۲۰ ماده‌ی فراخوانی‌کننده، در یک طیف ۹ درجه‌ای از هرگز تا بسیار زیاد را مشخص کنند. این آیتم‌ها شامل مواردی همچون «خانه‌ای که در آن زندگی می‌کردید»، «شخصی که دوست داشتید»، «نداشتن نگرانی» و ... غیره است که از فرد خواسته می‌شود میزان احساس فقدان و خواستن این موارد را با توجه به گذشته‌اش مشخص کند. در مطالعه‌ی باجو (۱۹۹۵، ۱۹۹۸) شواهدی مبنی بر روایی مقدماتی این ابزار ارائه شده است و پایایی آن در دو مطالعه، بر اساس دونیمه‌سازی ۰/۷۸ و بر اساس پایایی بازآزمایی ۰/۸۴ توسط این تحقیق گزارش شده است. میزان آلفای کرونباخ مبنی بر پایایی آن در پژوهش سدیکیدس و همکاران (۲۰۱۴) ۰/۸۷ گزارش شده است. راتلج و همکاران (۲۰۰۸) همبستگی معنادار در حد ۰/۴۰ را بین نمره‌ی این ابزار با نمره‌ی مقیاس نوستالژی ساوتهمپتون گزارش کرده‌اند. ژو و همکاران (۲۰۰۸) نیز در تحقیقی

یافته‌ها

توصیفی مشارکت‌کنندگان در جداول ۱ آورده شده است. شاخص‌های توصیفی شامل میانگین و انحراف معیار متغیرهای مورد پژوهش به تفکیک جنسیت مورد بررسی قرار گرفت که نتایج در جدول شماره ۱ آمده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود میانگین دختران در متغیر پیش بین پژوهش بیشتر از پسران است و اما میانگین دختران و پسران در متغیرهای ملاک برابر بودند.

نتایج در دو بخش توصیفی و رگرسیون گزارش می‌گردد. به منظور ارائه تصویری آشکار از وضعیت عملکرد مشارکت‌کنندگان در متغیرهای پژوهش، ابتدا یافته‌های توصیفی و همبستگی (مرتب به صفر) بین متغیرهای پژوهش محاسبه گردید (جدول). یافته‌های به دست آمده گویای آن است که بین متغیرهای مستقل و وابسته رابطه معناداری وجود دارد که مجوز لازم برای انجام تحلیل‌های بعدی را فراهم می‌آورد. برخی از مشخصات

جدول ۱ شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش به تفکیک جنسیت و بدون تفکیک جنسیت

میانگین و انحراف استاندارد			
متغیرها	دختر	پسر	میانگین کل
نوستالژی‌گرایی	۱۰۷/۰۵ (۳۱/۶)	۹۷/۰۳ (۲۸/۳)	۱۰۲/۹۲ (۳۰/۶۷)
هویت اخلاقی درونی سازی	۲۰/۱۱ (۳/۱۴)	۲۰/۴۹ (۳/۴۴)	۲۰/۲۷ (۳/۲۶)
هویت اخلاقی نمادسازی	۱۶/۱۸ (۳/۸۹)	۱۶/۰۸ (۳/۴۳)	۱۶/۱۶ (۳/۷۰)

مشاهده می‌شود متغیرهای پژوهش رابطه معنی‌دار مطلوبی دارند.

به منظور بررسی ارتباط بین متغیرها همبستگی صفر مرتبه بین تمام متغیرهای پژوهش محاسبه شد. نتایج ماتریس همبستگی در جدول شماره ۲ آورده شده است. چنانچه

جدول ۲ ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴
۱- نوستالژی	۱			
۲- هویت اخلاقی درونی سازی	۰/۱۹**	۱		
۳- هویت اخلاقی نمادسازی	۰/۲۵**	۰/۴۵**	۱	

جدول ۳ نتایج مربوط به روایی و پایایی مدل‌های اندازه‌گیری تحقیق

نتایج مربوط به مدل اندازه‌گیری				
عامل	نشاتگر	بار استاندارد	α	CR پایایی ترکیبی

۰/۸۴	۰/۷۷	۰/۷۲	صفای گذشته	نوستالژی گرای
		۰/۸۲	دلبستگی گذشته	
		۰/۸۶	میل به خانه	
۰/۶۵	۰/۷۰	۰/۳۷	M1	درونی سازی
		۰/۵۲	M2	
		۰/۴۹	M4	
		۰/۴۶	M7	
		۰/۷۶	M10	
۰/۷۶	۰/۷۶	۰/۵۴	M3	نمادسازی
		۰/۷۲	M5	
		۰/۵۸	M6	
		۰/۵۲	M8	
		۰/۷۵	M9	

$N = 201$, CR = Composite Reliability, α = Cronbach's alpha

مطابق با نتایج جدول ۳، شاهد پایایی و پایایی ترکیبی مدل‌های اندازه‌گیری سازه‌های تحقیق هستیم. در ادامه مدل نهایی پژوهش آورده شده است.

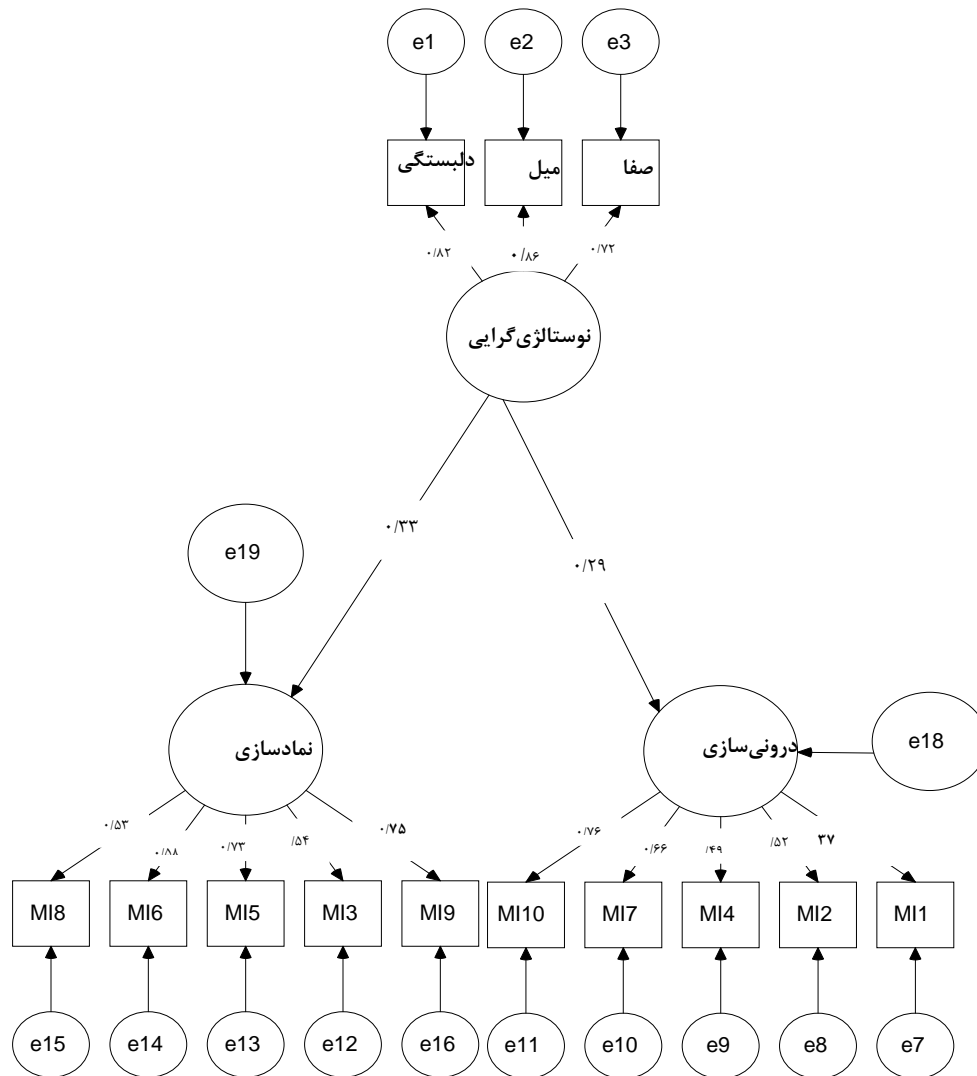
جدول ۴ شاخص‌های برازش مربوط به مدل نهایی پژوهش

مدل	χ^2/df	p.value	RMSEA	GFI	AGFI	IFI	CFI	TLI
مدل آزمون شده پژوهش	۱/۳۳	۰/۰۴	۰/۰۴	۰/۹۴	۰/۹۲	۰/۹۷	۰/۹۷	۰/۹۶

مسیرهای میان متغیرهای مکنون در بازه‌ی مطلوبی قرار دارد که نشان‌دهنده‌ی نقش نوستالژی گرای در تبیین ابعاد هویت اخلاقی است.

مطابق با نتایج شکل ۱ و جدول ۴، شاهد برازش مطلوب مدل تجربی تحقیق هستیم. ضرایب مربوط به نسبت نشانگرها با ابعاد در سطح مطلوب است و ضرایب

شکل ۲ مدل ساختاری پژوهش



بحث

درونی شدن ارزش های اخلاقی در خودپنداره‌ی فرد است و هم پیش‌بینی‌کننده‌ی بازنمایی و وانمود اجتماعی خود به عنوان کسی که حامل برخی از ارزش‌هاست. در زمینه‌ی نقش معنی‌دار نوستالژی‌گرایی در ابعاد هویت اخلاقی اگرچه تحقیقات چندانی صورت نگرفته است، اما همسویی آن با پژوهش‌های ترنر، وایدشات و سدیکیدس (۲۰۱۲)، ژو و همکاران (۲۰۱۲)، سدیکیدس و همکاران

نتایج آزمون فرضیه نشان داد، فرضیه‌ی تحقیق مبنی بر مدل تسهیل‌کننده‌ی هویت اخلاقی تأیید می‌شود؛ بنابراین نوستالژی‌گرایی می‌تواند پیش‌بینی‌کننده و به‌احیاناً تسهیل‌کننده‌ی هویت اخلاقی باشد و بخشی از واریانس هر دو بعد نمادسازی و درونی‌سازی را تبیین کند. نوستالژی‌گرایی هم پیش‌بینی‌کننده‌ی مثبت برای

کنش همدلانه و نوع‌دوستانه با نتایج تحقیق حاضر همسویی‌هایی دارد. چنان که ملاحظه شد، تحقیقات آورده شده به عنوان همسو، یا اشاره به نقش نوستالژی در کنش‌های معطوف به دیگری داشتند و یا اشاره به نقش نوستالژی در هویت و انسجام خود که در هر صورت با تحقیق حاضر واجد نوعی همسویی می‌شوند.

در این زمینه، تحقیق نظری و غیرتجربی لی (۲۰۱۵) که نشان دهنده‌ی نقش نوستالژی در ترغیب رفتارهای جامعه‌پسند و نوع‌دوستانه است تلویحاً همسو با نتایج تحقیق حاضر است. مطابق با مکانیسم پیشنهادی لی (۲۰۱۵) می‌توان متغیرهایی همچون تقویت انگیزش گرایشی و تقویت هویت اجتماعی و احساس همدلی را به عنوان مکانیسم زیرین تسهیل‌کننده‌ی نقش نوستالژی در کنش همدلانه و متعاقباً اهمیت یافتن همدلی در هویت اخلاقی در نظر گرفت. چنان که گفته شد تحقیق لی (۲۰۱۵) شواهد تجربی در این زمینه به دست نمی‌دهد و مبتنی بر تحقیقات قبلی و تلویحات نظری و قیاسی رهیافت‌های خود را ارائه می‌دهد. در تائید مکانیسم پیشنهادی لی (۲۰۱۵) تحقیق سدیکیدس، وایدشات و بادن (۲۰۰۴) مبنی بر تائید نقش نوستالژی در بازسازی پیوند نمادین با دیگران و افزایش وحدت درونی قابل تأمل است؛ بنابراین بر اساس خطوط راهنمای لی (۲۰۱۵)، نوستالژیک شدن به تسهیل انگیزش گرایشی و تقویت هویت اجتماعی و عواطف همدلانه می‌انجامد. در همین راستا، می‌توان به یافته‌ی چنگ، سدیکیدس و وایدشات (۲۰۱۶) نیز اشاره کرد که تبیین نقش نوستالژیک شدن بر افزایش خوش‌بینی را مبتنی بر این دانستند که احساس نوستالژی تسهیل‌کننده‌ی نوعی پیوستگی اجتماعی و عزت نفس است و از این طریق به افزایش خوش‌بینی در

(۲۰۱۴) و ون دیگ و همکاران (۲۰۱۵) که شواهدی برای کارکردهای اجتماعی، گروهی و ارتباطی نوستالژی همچون تمایل به رفتار جامعه‌پسند و رفتار همکاران را نشان داده‌اند نزدیک است. تحقیق جوردن، مولن و موردیقان (۲۰۱۱) مبنی بر تأثیر یادآوری اعمال اخلاقی گذشته در رفتارهای اخلاقی آینده نیز تلویحاتی در همسویی با یافته‌ی این تحقیق داراست. در این زمینه همچنین تحقیق کاوانا (۱۹۸۹) به نقل از سدیکیدس، وایدشات و بادن، (۲۰۰۴) که شواهدی نشان داد مبنی بر اینکه نوستالژی به عنوان منبع دستیابی به هویت عمل می‌کند. این محققان معتقدند نوستالژی می‌تواند یک حس نیرومند درباره‌ی خود را برانگیزد و وحدت درونی خود را از طریق گذاشتن تکه‌هایی از زندگی گذشته‌مان کنار یکدیگر افزایش دهد. گابریل (۱۹۹۲) به نقل از سدیکیدس، وایدشات و بادن، (۲۰۰۴) نیز با استناد به شواهدی نوستالژی را در راستای تقویت هویت و ارزشمندی خود می‌داند. همسویی میان این یافته با اینکه نوستالژی به پیوندهای اجتماعی استحکام و نیرو می‌بخشد (سدیکیدس، وایدشات و بادن، ۲۰۰۴) نیز قابل تأمل است. به عبارت دیگر نوستالژی همراه است با نوعی بازسازی پیوند نمادین با دیگران معنادار (باچو، ۱۹۹۸) که منجر به تقویت پیوند اجتماعی، عزت نفس (سیری و باومیستر، ۲۰۰۰) به نقل از سدیکیدس، وایدشات و بادن، (۲۰۰۴) و احساس دل‌بستگی ایمن (میکولینسر و همکاران، ۲۰۰۳) به نقل از سدیکیدس، وایدشات و بادن، (۲۰۰۴) می‌شود. همچنین تحقیق سدیکیدس و همکاران (۲۰۰۸) در زمینه‌ی نقش نوستالژی در تسهیل انسجام خود با نتایج تحقیق حاضر همسو است. افزون بر این تحقیق اعتماد همکاران (زیرچاپ) در زمینه‌ی نقش نوستالژی در تسهیل

گرایشی، افزایش حس پیوستگی بین فردی و اجتماعی نمادین و افزایش خودکارآمدی و عزت نفس، نیرومندسازی هویت و انسجام خود، وحدت درونی و ارزش خود و تسهیل بازسازی پیوند نمادین با دیگران معنادار که در پیشینه مورد تأیید قرار گرفته است، می‌تواند به عنوان پیش‌بینی‌کننده و احیاناً تسهیل‌کننده‌ی قدرتمندی درونی‌سازی و نمادسازی خودپنداره اخلاقی مطرح باشد. این یافته نقش نوستالژی را به عنوان یک تسهیل‌کننده‌ی قدرتمندی خودپنداره‌ی اخلاقی قابل بررسی می‌سازد. بنابراین از منظر مسئله‌ی پژوهش حاضر، نقش نوستالژی‌گرایی در پیش‌بینی و احیاناً تسهیل خودپنداره‌ی اخلاقی مورد تأیید قرار گرفت و پژوهش‌های روان‌شناسی اخلاق با یک مسئله‌ی تازه با عنوان نظم‌بخشی هویت اخلاقی از طریق نوستالژی‌گرایی روبه‌رو هستند که می‌تواند برای پیشبرد مسائل انضمامی مورد توجه قرار گیرد. این یافته در بنیادی‌ترین شکل خود در بستر رویکرد فضیلت‌گرایی اخلاقی و اهمیت نقش متغیرهای غیرشناختاری فاعل اخلاقی قرار می‌گیرد و فهمیده می‌شود.

محدودیت‌های این تحقیق از جمله شامل محدودیت‌هایی است که بر یک طرح همبستگی وارد است. در این تحقیق نقش نوستالژی به عنوان یک پیش‌بینی‌کننده و احیاناً تسهیل‌گر هویت اخلاقی روشن شد. البته برای نتیجه‌گیری شفاف‌تر نیازمند تحقیقات بیشتری هستیم. تلویحات نتایج این تحقیق برای روان‌شناسی و تربیت اخلاقی چنان که گفته شد دارای اهمیت قابل ملاحظه‌ای هست.

روابط اجتماعی منجر می‌گردد. این یافته در پرتو فرضیه‌ی بدن‌مندی نوستالژی نیز قابل بازفهمی است، مطابق با این فرضیه تجربه‌ی نوستالژی همراه و متوقف است بر تغییرات بدنی و نوروفیزیولوژیکی؛ به عبارت دیگر توجه به نقش بدن و بدن‌بنیاد بودن تجربه‌ی نوستالژی از این طریق که نوعی تغییر خلق مثبت و تسهیل نورو فیزیولوژیکی و برانگیختگی را به همراه دارد به لحاظ نظری دارای اهمیت است. در این راستا تحقیق اعتماد و همکاران (۱۳۹۶) نقش نوستالژی را به عنوان یک مکانیسم نظم‌بخشی هیجانی که بر نقش محوری حافظه مبتنی است مورد تأیید قرار دادند و نشان دادند که این هیجان می‌تواند با راه‌اندازی یک شبکه‌ی عاطفی، بازنمای یکپارچگی محتوای حافظه و برانگیختگی نوروفیزیولوژیکی باشد. تبیین‌های مورد نظر بر اساس تحقیق لی (۲۰۱۵)، چنک، سدیکیدس و وایدشات (۲۰۱۶)، جوردن، مولن و موردیقان (۲۰۱۱) و اعتماد و همکاران (۱۳۹۶) در یک محور مشترک هستند که نشان می‌دهند تجربه‌ی نوستالژی همراه است با نوعی نظم‌بخشی هیجانی و انسجام بخشی که با یکپارچه‌سازی ظرفیت‌های بدنی و شناختی از طریق هیجان، انجام کنش‌های اجتماعی و دیگر-محور را تسهیل می‌کند. از منظر مسئله‌ی پژوهش حاضر، شاهد نقش یک هیجان نا اخلاقی در تسهیل قدرت خودپنداره‌ی اخلاقی هستیم.

نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر در راستای مسئله‌ی نسبت یک هیجان اخلاقاً نامرتب با تسهیل شدن قدرتمندی خودپنداره‌ی اخلاقی مطرح شد. نتایج نشان داد نوستالژی‌گرایی از طریق مکانیسم‌های احتمالی همچون ایجاد آمادگی حسی-حرکتی و نوروفیزیولوژیکی، افزایش انگیزش

- Gino F, & Desai S. (2012). "Memory Lane and Morality: How Childhood Memories Promote Prosocial Behavior." *Journal of Personality and Social Psychology* 102(4) , 743–758.
- Haidt J. (2003). The moral emotions. IN: R. J. Davidson, K. R. Scherer, & H. H. Goldsmith Editors., *Handbook of affective sciences*. Oxford: Oxford University Press, 852-870.
- Hardy S, & Carlo G. (2011). Moral Identity: What Is It, How Does It Develop, and Is It Linked to Moral Action?. *Child Development Perspectives*, 5 (3), 212–218.
- Hardy SA. (2006). Identity, reasoning, and emotion: An empirical comparison of three sources of moral motivation. *Motivation and Emotion*, 30 (3), 207-215.
- Hoffman ML. (2000). Empathy and moral development: Implications for caring and justice. New York: Cambridge University Press.
- Huebner B, Dwyer S, & Hauser MD. (2009). The role of emotion in moral psychology. *Trends in Cognitive Science*, 13(1), 1–6.
- Hursthouse R. (1999). On Virtue Ethics. Oxford: Oxford University Press., 275.
- Jordan j, Mullen M, & Mumighan JK. (2011). Striving for the Moral Self: The Effects of Recalling Past Moral Actions on Future Moral Behavior. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 37 (5), 701-713
- Jowkar B, & Haghnegahdar M. (1395), relationship between moral identity and academic dishonesty: investigating moderator role of gender. *Learning and Instruction Studies*, 8 (2), 143-162 (In Persian).
- Juhl J, Routledge C, Amdt J, Sedikides C, & Wildschut T. (2010). Fighting the future with the past: Nostalgia buffers existential threat. *Journal of Research in Personality*, 44 (1), 309–314.
- King P, & Furrow J. (2004). Religion as a Resource for Positive Youth Development: Religion, Social Capital, and Moral Outcomes.. *Developmental psychology*, 40 (5). 703-713.
- Kochanska G. (2002). Committed Compliance, Moral Self, and Internalization: A Mediational

بر مبنای نتایج فوق، می‌توان در برنامه‌ی درسی و گفت‌وگوهای تربیت اخلاقی جای‌جایی برای نوستالژی‌گرایی و تسهیل تجربیات نوستالژیک در نظر گرفت.

سپاسگزاری

از دانشجویان مشارکت‌کننده در تحقیق و اداره‌ی خوابگاه‌های دانشگاه شیراز قدردانی می‌گردد.

References

- Ahmadi E. (2017). Comparing ethical self-superiority in the fields of doing ethical behaviors and not doing unethical behaviors. *Quarterly Research Psychological Applied*, 8(1), 121-132.
- Aristotle (2011). *Nicomachean Ethics* (translated by M.H.Lotfi). Tehran, new design publication.
- Batcho KI. (1995). Nostalgia: A psychological perspective. *Perceptual and Motor Skills*, 80(1), 131–143.
- Batcho KI. (2013a). Nostalgia: The bittersweet history of a psychological concept. *History of Psychology*, 16(1), 165–176.
- Blasi A. (1995). Moral understanding and the moral personality: The process of moral integration. IN: M. Kurtines & J. L. Gewirtz Editors. *Moral development: An introduction*. Boston, MA, 229–253.
- Blasi A. (2004). Moral functioning: Moral understanding and personality. *Moral development, self, and identity*, 335-348.
- Cheung WY, Sedikides C, & Wildschut T. (2016). Induced nostalgia increases optimism (via social connectedness and self-esteem) among individuals high, but not low, in trait nostalgia. *Personality and Individual Differences*, 90(1), 283–288.
- Etemaad J, Jowkar B, Dabbagh H, Kojuri J, & Roosta S. (2018). The Effect of Evoking Nostalgic Memories on the Homeostatic Variables (Mental and Physical) Among Cardiovascular Patients. *Advances in Cognitive Science*, 19(4), 57-69.

- Model. *Developmental psychology*, 38 (3), 339-351.
- Li Y. (2015) Nostalgia Promoting Pro-Social Behavior and Its Psychological Mechanism. *Open Journal of Social Sciences*, 3 (1), 177-186
- Routledge C, Arndt J, Wildschut T, Sedikides C, Hart C, Juhl J. (2011). The past makes the present meaningful: Nostalgia as an existential resource. *Journal of Personality and Social Psychology*, 101(3), 638-652.
- Routledge C, Sedikides C, Wildschut T, & Juhl J. (2013). Finding meaning in the past: Nostalgia as an existential resource. IN: K. Markman, T. Proulx, & M. Lindberg Editors. *The psychology of meaning*. Washington, DC: American Psychological Association, 297-316.
- Sedikides C, Wildschut T, Arndt J, & Routledge CD. (2006). Affect and the self. IN: J. P. Forgas Editors. *Affect in social thinking and behavior: Frontiers in social psychology* New York, NY: Psychology Press, 197-215.
- Sedikides C, Wildschut T, Routledge C, Arndt J, Hepper E, & Zhou X. (2015). To Nostalgize: Mixing Memory with Affect and Desire. *Advances in Experimental Social Psychology*, 51 (1), 179-281.
- Sedikides C, Wildschut T, Gaertner L, Routledge C, & Arndt J. (2008). Nostalgia as enabler of self continuity. IN: F. Sani Editors. *Self continuity: Individual and collective perspectives*. New York, NY, US: Psychology Press, 227-239.
- Tepe R, Zhong ChB, & Inzlicht M. (2015). How Emotions Shape Moral Behavior: Some Answers (and Questions) for the Field of Moral Psychology. *Social and Personality Psychology Compass*, 9(1), 1-14.
- Van Dijke M, Wildschut T, Leunissen J, & Sedikides C. (2015). Nostalgia buffers the negative impact of low procedural injustice on cooperation. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 127(1), 15-29.
- Van Tilburg WAP, Igou ER, & Sedikides C. (2013). In search of meaningfulness: Nostalgia as an antidote to boredom. *Emotion*, 13 (3), 450-461.
- Walker L J, & Frimer JA. (2007). Moral personality of brave and caring exemplars. *Journal of Personality and Social Psychology*, 93 (5), 845-860.
- Wildschut T, Sedikides C, Arndt J, & Routledge C. (2006). Nostalgia: Content, triggers, functions. *Journal of Personality and Social Psychology*, 91(5), 975-993.
- Zagzebski LT. (2004). *Divine Motivation Theory*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Zhou X, Wildschut T, Sedikides C, Chen X, & Vingerhoets MJ. (2012). Heartwarming Memories: Nostalgia Maintains Physiological Comfort. *Emotion*, 12(4), 678-684.